

یادداشت تحلیلی عضو هیات علمی دانشگاه مازندران با موضوع:

بررسی دلایل عدم توفیق فارغ‌التحصیلان زبان روسی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و صنعت

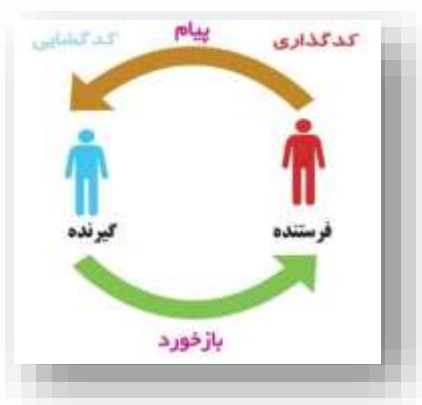
به گزارش روابط عمومی دانشگاه مازندران، دکتر پیمان گلستان عضو هیات علمی و مدیر گروه زبان روسی دانشگاه مازندران در یک یادداشت علمی - تحلیلی، به بررسی دلایل عدم توفیق فارغ‌التحصیلان زبان روسی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و صنعت پرداخت.

متن کامل این یادداشت را در زیر مشاهده می‌کنید:

بررسی دلایل عدم توفیق فارغ‌التحصیلان زبان روسی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و صنعت

یکی از مهمترین نیازهای اولیه انسان پس از برطرف کردن احتیاجات شخصی، انتقال صحیح و موثر اطلاعات طی فرایند ارتباطی است. همان‌طور که وقایع و حوادث به صورت خبر منتقل می‌شوند؛ به همین ترتیب تفکرات، احساسات، طرز تلقی‌ها، آرزوها، ترس‌ها و نگرانی‌های آدمی نیز به واسطه ارتباط کلامی از فردی به فرد دیگر قابل انتقال است. برقراری ارتباط، از نظر هدف و روش، به شکل واحدی صورت نمی‌پذیرد و بسته به این‌که از ابزارهای زبانی در این فرایند استفاده شود یا خیر، به انواع "ارتباطات کلامی"^۱ و "ارتباطات غیر کلامی"^۲ قابل تقسیم هستند.

"ارتباطات کلامی" نه تنها در برگیرنده ارتباطات گفتاری بین گویش‌وران یک جغرافیای زبانی است، بلکه هرگونه تعامل با هدف تبادل اطلاعات (گفتاری یا نوشتاری) را نیز شامل می‌گردد. شاید به کارگیری زبان در روند زندگی روزمره را بتوان خاص‌ترین شکل تعامل بین مردمان یک سرزمین دانست. به عبارت دیگر، زبان نه تنها مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان است، بلکه به عنوان ابزاری برای درک و تفکر شناخته می‌شود. هدف اصلی ارتباطات کلامی از زمان پیدایش بشر، تبادل انواع مختلفی از اطلاعات است که در طول تاریخ، بیش از هر چیز به یمن وجود زبان در جوامع بشری تحقق یافته است. هر چند بشر به موازات استفاده از زبان، همواره در تلاش برای به کارگیری ابزارهای کمکی ارتباطی برای تبادل اطلاعات بوده است. بر پایه نظریه رومن یا کوبسن^۳، ادیب و زبان‌شناس ساختارگرا، شمای یک تعامل کلامی را می‌توان در طرح زیر به تصویر کشید:



زبان روسی و آموزش آن در ایران

زبان روسی از زبان‌های اسلاو شرقی و از خانواده زبان‌های هندو اروپایی است که به الفبای سیریلیک نوشته می‌شود. روسی، زبان رسمی کشور فدراسیون روسیه و هشتمین زبان دنیا از لحاظ تعداد گویش‌ور است. زبان روسی به عنوان ابزار اصلی ارتباطی بین

1 - Verbal communication
2 - Nonverbal communication
3 - Roman Osipovich Jakobson

کشورهای اوراسیا و تمام جمهوری‌های مستقل همسو به‌جا مانده از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. این زبان یکی از ۶ زبان کاری سازمان ملل متحد، یونسکو و دیگر سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی است.

همسایگی ایران با کشور فدراسیون روسیه، اهمیت فعال‌سازی تعاملات فرهنگی، اقتصادی، نظامی و سیاسی، هم‌چنین لزوم پاسخ به نیاز کشور به تربیت کادر مترجمان و هیات‌های علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی کشور را می‌توان از دلایل تاسیس رشته زبان روسی در ایران ذکر کرد. در حال حاضر ۱۲ کرسی زبان روسی در دانشگاه‌های ایران در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به آموزش زبان روسی مشغول به فعالیت هستند.

هرچند آموزش زبان روسی در ایران قدمتی طولانی دارد و تلاش‌های زیادی نیز طی سالیان اخیر در راستای بهبود کیفی آموزش زبان روسی در ایران در جریان است، با این وجود به نظر می‌رسد به دلیل وجود پاره‌ای از مشکلاتی که مورد توجه قرار نگرفته، هنوز تا شرایط مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. با نگاهی آسیب‌شناسانه به ناکارآمدی آموزش زبان روسی در ایران می‌توان برخی از چالش‌های اصلی در این روند را برشمرد: عدم آشنایی دانشجویان نو ورود زبان روسی با این زبان در مقاطع پیشین تحصیلی، عدم تناسب سرفصل درسی دوره کارشناسی با نیازهای کنونی جامعه، عدم تناسب محتوای آموزشی کتب درسی زبان روسی با نیازهای مخاطبان فارسی زبان، کافی نبودن ساعات تخصیص داده‌شده به آموزش مهارت‌های زبانی و ترجمه، عدم امکان استفاده از دوره‌های مهارت‌افزایی ضمن تحصیل، کمبود امکانات آموزشی و کمک آموزشی در دانشگاه‌ها.

در زیر به اختصار به بررسی موارد یادشده می‌پردازیم:



۱- عدم آشنایی دانشجویان نو ورود با زبان روسی در مقاطع پیشین تحصیلی

پیش زمینه ذهنی زبان آموز عبارت است از مجموعه اطلاعاتی که او در مورد زبانی که مطالعه می‌کند از پیش در ذهن دارد. بر پایه نظریات زبان‌شناختی، در صورتی که آموزش هر زبان خارجی زیر سن بحرانی^۴ آغاز گردد، فرایند فراگیری زبان دوم هنوز حالتی ناآگاهانه و نتایجی همچون فراگیری زبان مادری در بر خواهد داشت؛ اما پس از طی این دوره طلایی و در سنین بزرگسالی با پدیده آموزش زبان دوم مواجه هستیم. تحقیقات نشان می‌دهد، چنان‌چه سن زبان آموز در آموزش زبان دوم کمتر باشد، زنجیره تکانه‌های عصبی برای ایجاد مدارهای مغزی، بیشتر و اثر شناختی فرایند آموزش بلندمدت خواهد بود. بر اساس این فرضیه، چنانچه آموزش زبان روسی نیز در مقاطع پایین‌تر تحصیلی آغاز گردد، تصویر ذهنی دقیق‌تر و جامع‌تری از آن در ذهن زبان‌آموز نقش می‌بندد. با دریافت این اطلاعات مقدماتی و پایه‌ای در مقاطع پیشین، دانشجویان علاقه‌مندی که برای آموزش زبان روسی به مقطع کارشناسی آموزش زبان روسی دانشگاه‌ها وارد می‌شوند، هم‌چون دانشجویان زبان‌های انگلیسی و عربی می‌توانند در تکمیل توانش و کنش زبانی گامی فراتر نهند؛ اما وضعیت فعلی دانشجویان زبان روسی کاملاً متفاوت است. بدین معنا که دانشجویان در اکثر مواقع بدون داشتن هیچ پیش زمینه ذهنی به آموزش زبان روسی از حروف الفبا مبادرت می‌ورزند. این در حالی است که بازار کار از فارغ‌التحصیل این زبان توقع دارد تا همچون فارغ‌التحصیلان زبان‌هایی هم‌چون انگلیسی و عربی، پس از اتمام دوره کارشناسی بر حداقل سطح مهارت‌های ارتباطی مسلط باشد که خود چالش بزرگی در روند آموزش به شمار می‌آید.

۲- عدم تناسب سرفصل درسی دوره کارشناسی با نیازهای کنونی کشور

نتایج مطالعات در خصوص میزان اقبال زبان‌آموختگان زبان روسی در پاسخ به نیازهای جامعه نشان می‌دهد که شمار بالایی از فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی با مشکلات جدی در خواندن، درک و فهم محتوای شنیداری و همچنین هنگام صحبت کردن و نوشتن در موقعیت‌های واقعی و روزمره مواجه هستند.

چنانچه بازار کنونی کار در ایران به‌درستی نیازسنجی شود، درمی‌یابیم که عمده نیاز آن معطوف مترجمان شفاهی و کتبی در زمینه‌های مشترک همکاری بین ایران و روسیه است و این درحالی است که در سرفصل فعلی مقطع کارشناسی زبان روسی، واحدهای درسی مربوط به آموزش مهارت‌های زبانی و ترجمه در مقایسه با سایر دروس تخصیص یافته به دانش‌انتزاعی زبان و ادبیات به‌شدت کم‌رنگ است. زبان‌آموزی که هنوز شاکله زبان روسی در ذهنش نقش نبسته و در به‌کارگیری مهارت‌های کلامی در ارتباطات روزمره خود ناکام است، چگونه می‌تواند از زیبایی آثار نظم و نثر به زبان روسی بهره‌بربرد؟ سرفصل جدید و بازنگری‌شده دوره کارشناسی زبان روسی که اتفاقاً بیشترین تعداد فارغ‌التحصیلان را دارد و بر اساس طرح تجمیع وزارت عتف هم تهیه و تدوین گردیده، متأسفانه متناسب با شرایط و نیازهای جامعه امروز نبوده، همچنین توازن و پیوستگی منطقی نیز در تعداد و محتوای دوره‌های آموزشی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری به چشم نمی‌خورد.

۳- عدم تناسب محتوای آموزشی کتب درسی زبان روسی با نیازهای مخاطبان فارسی زبان

نیازسنجی، یکی از مولفه‌های مهم در تدوین محتوای آموزشی است که در پی یافتن خواسته‌ها، علایق و سلیقه‌های موجود جامعه امروزی و تعیین فاصله این انتظارات با امکانات، مهارت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموختگان در رشته‌های مختلف است. اگر نخواهیم آرمانی نگاه کرده و محتوای آموزش زبان روسی را آن‌گونه که شایسته است برای گویش‌وران زبان‌های مورد استفاده در استان‌های مختلف ایران به صورت کتاب‌ها و دوره‌های آموزشی خاص، تنظیم و تدوین نماییم؛ حداقل می‌بایست این مهم را برای گویش‌ور فارسی زبان به عنوان گویش‌ور زبان رسمی به انجام برسانیم. متأسفانه در حال حاضر اکثر کتاب‌های آموزشی که حتی در روسیه هم به رشته تحریر در آمده‌اند و حتی آنهایی که برای آموزش زبان روسی به غیر روس زبان‌ها طراحی شده‌اند، برای آموزش زبان‌آموزان فارسی‌زبان ویژه نشده‌اند. در صورت پافشاری بر استفاده از منابع موجود، انتقال زبانی^۵ از زبان مادری به جای این که به عنوان عامل مثبتی در آموزش زبان روسی به کار گرفته شود بیشتر به سدی در راه آموزش تبدیل شده و به «انتقال منفی» یا «تداخل زبانی»^۶ می‌انجامد.

۴- کافی نبودن ساعات تخصیص داده‌شده به آموزش مهارت‌های زبانی و ترجمه

کودک به طور طبیعی در سنین پیش از دبستان با دو مهارت گفتاری (شنیدن و صحبت کردن) و طی آموزش‌های دوره ابتدایی با مهارت نوشتاری (خواندن و نوشتن) آشنا می‌شود که در شکل‌گیری تعامل وی با جهان بیرون نقش اساسی ایفا می‌نماید؛ لیکن چالش پیش رو در آموزش بزرگسالان و در محیط غیر زبانی این است که یادگیری این چهار رکن ارتباطی، کمابیش به موازات یکدیگر آغاز شده و به پیش می‌رود. در چنین شرایطی چنانچه حداقل حجم لازم از محتوای درسی به آموزش این چهار مهارت تخصیص داده نشود، نتیجه‌ای جز انباشت حجمی از اطلاعات زبانی بلااستفاده و در بهترین حالت، شکل‌گیری مهارت‌های دریافتی (شنیدن و خواندن) و نه تولیدی (صحبت کردن و نوشتن) توسط زبان‌آموز را در بر نخواهد داشت. از این رو لازم است تا با هدف تربیت دانشجویانی که در نهایت بتوانند از عهده وظایف ارتباطی برآمده و تجلی عملی دانش انتزاعی زبان را درک نمایند، می‌بایست حجم قابل ملاحظه‌ای از محتوای آموزشی در دوره کارشناسی به موازات آموزش دانش زبانی به آموزش مهارت‌های یادشده اختصاص یابد.



⁵ - transfer

⁶ - interference

۵- عدم امکان استفاده از دوره‌های مهارت‌افزایی ضمن تحصیل

به واسطه حضور در دوره‌های مهارت‌افزایی، دانشجو عملاً درگیر چالشی جدی برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار می‌گردد و یا کارایی و توانایی خود را در انجام وظایف تحصیلی بهبود می‌بخشد.^۷ چنانچه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در راستای آشنایی زبان‌آموزان با بازار کار و صنعت امکاناتی جهت بسترسازی و حمایت از حضور زبان‌آموزان در دوره‌های عملی فراهم آورند، کمک بسزایی به هم‌سوسازی دانش نظری اکتسابی و مهارت‌های کاربردی آنها خواهد نمود.

دانشجویان به مدد رویکرد کاربردی در آموزش‌های عملی، با سطح مهارت‌هایی که انتظار می‌رود از آن برخوردار باشند آشنا می‌شوند. از این دوره‌ها به خوبی می‌توان به عنوان ابزاری برای یادگیری مکمل بهره جست. برگزاری دوره‌های یادشده موجب می‌گردد تا فارغ‌التحصیلان محجور و ناتوان کنونی به سطحی از مهارت‌های عملی دست یابند که بتوانند به راحتی پاسخگوی نیازهای جامعه بوده و به شکل پاره‌وقت جذب بازار کار شوند. از مزایای برگزاری دوره‌های مهارت‌افزایی زبان‌آموزی این است که جریان یک طرفه انتقال اطلاعات در کلاس‌های دانشگاهی تبدیل به فضای تعاملی می‌گردد و دانشجو امکان دریافت بلافاصله بازخورد مثبت و منفی از عملکرد خود را می‌یابد. ایجاد تدریجی اعتماد به نفس در کنار سایر عوامل انگیزشی حین گذراندن دوره‌های مهارت‌افزایی، موجب ایجاد علاقه‌مندی بیشتر در زبان‌آموزان برای پیگیری مشتاقانه‌تر دروس ارائه‌شده دانشگاهی خواهد شد.



۶- کمبود امکانات آموزشی و کمک آموزشی در دانشگاه‌ها

هرچند ممکن است طراحی فضا و اجرای مورد نیاز کلاس‌های آموزش زبان‌های خارجی با توجه به نیازهای آموزشی، کمی کمال‌گرایانه به نظر برسد، لیکن نقش محوری و کلیدی لابراتوارهای مجهز و بروزشده با واقعیت‌های افزوده و هوش مصنوعی برای بازآفرینی محیط زبانی، که از نیازهای مبرم در آموزش زبان‌های خارجی است را نمی‌توان نادیده انگاشت. به‌کارگیری لابراتوار زبان، این امکان را در اختیار اساتید قرار می‌دهد تا از فشار کلاس آموزشی به میزان قابل توجهی کاسته و کلاس را به شکل تعاملی تک به تک با زبان‌آموز پیش ببرند. در این شکل از آموزش، استاد درگیر نظارت مستقیم بر اجرای گام به‌گام و پیوسته اهداف و محتوای آموزشی و هم‌زمان با آن، انتخاب محتوای جدید در روند یک یادگیری موفقیت‌آمیز خواهد شد. وجود تجهیزات لابراتواری و فناوری‌های ارتباطی نوین، محیط آموزشی را به فضای آموزشی استاندارد و درخور نیازهای آموزش زبان خارجی بدل خواهد کرد.

^۷ - کنوانسیون آموزش فنی و حرفه‌ای، یونسکو، ۱۹۸۹: نیکویی، ۱۳۷۷



با عنایت به موارد فوق و با نگاهی اجمالی به نقاط قوت و ضعف آموزش زبان روسی به عنوان زبان دوم در ایران، می توان نتیجه گرفت که این مسیر علی رغم موفقیت های کسب شده در سال های اخیر، کماکان با چالش های جدی روبروست که آمادگی در مواجهه با آن ها، مستلزم بررسی آسیب شناسانه و متعاقبا تغییر در برخی از اهداف، محتوا و رویکردهای آموزشی است.

در پاسخ به این سوال مهم که چرا فارغ التحصیلان ایرانی زبان روسی علی رغم حدود ۴ سال آموزش مستمر در دوره کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد به حداقل سطح مهارت های ارتباطی مورد نیاز بازار کار دست نمی یابند؛ ضروری به نظر می رسد تا در سیاست گذاری های آموزش زبان روسی در ایران بازنگری و تجدید نظر کارشناسی صورت پذیرد.

در زیر، راهکارهای آموزشی پیشنهادی برای موارد اشاره شده در متن را مورد بررسی قرار می دهیم:

از آنجا که هرچه سن شروع به آموزش در زبان آموزی کمتر باشد روند آموزش، سریعتر و درک مفاهیم زبانی عمیق تر خواهد بود در این خصوص می توان کارگروهی ویژه با همکاری وزارت آموزش و پرورش و وزارت عتف به صورت مشترک برای ایجاد مدارس زبان روسی و تدریس زبان روسی در مقاطع پیش دانشگاهی اقدام نمود.

سرفصل آموزشی فعلی جهت دستیابی به آموزش مهارت محور به جای آموزش گرامر محور یا ترجمه محور با نگاه مخاطب فارسی زبان، نیازمند بازنگری و اصلاح است. در سرفصل آتی بایسته است تا در خصوص افزایش میزان تخصیص ساعات درسی به دروس مهارت های کلامی (گفتاری و نوشتاری) توجه ویژه ای مبذول گردد.

نظر به این که نیروی انسانی توانمند و واجد مهارت های لازم همچون موتور محرکه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور محسوب می گردد، ایجاد و گسترش دوره های مهارت افزایی ضمن تحصیل به منظور ارتقای صلاحیت حرفه ای زبان آموزان، کسب تجربه ترجمه، افزایش توان عملکردی و افزایش شانس اشتغال پس از فارغ التحصیلی را می توان در کنار برنامه آموزش دانشگاهی رشته زبان روسی گنجانید. دانشجویان با حضور در دوره های یاد شده قادر خواهند بود به موازات دریافت دانش زبانی، سطح مهارت های ارتباطی زبان روسی خود را به میزان قابل توجهی ارتقا دهند. بدین ترتیب، آموزش جنبه کاربردی پیدا می کند و دانشجویان در می یابند که به موازات تحصیل دانش نظری زبان، می توانند با بسترهای احتمالی اشتغال خود آشنا گردند. در شرایط کنونی گروه های آموزشی زبان روسی مجبور هستند برای جبران این کمبود نسبت به برگزاری سخنرانی و کارگاه های آموزشی اهتمام ورزند.

در نهایت، به کارگیری راهکارهای مناسب برای رفع چالش های پیش روی آموزش زبان روسی، مستلزم الگوبرداری سنجیده و مناسب از روش ها و برنامه های آموزشی موفق در کشور روسیه و دیگر کشورها در زمینه "آموزش زبان روسی به عنوان زبان خارجی"^۸ می تواند الهام بخش و راهگشا باشد؛ در عین حال، جهت گیری آموزش زبان روسی متناسب با نیازهای جامعه و بازار کار نیز می تواند به نحو شایسته ای در خدمت استفاده حداکثری از ظرفیت ها و قابلیت های موجود در جهت ارتقای کیفی آموزش زبان روسی در ایران به کار بسته شود.